



کانون وکلای دادگستری

امجد معتمدی

وکیل پایه یک دادگستری

تاریخ: ۱۴۲۱/۱۵
شماره: ۲۲۷/ع/کانون
پیوست:

به نام خدا

"بازنشستگی و تخلفات انتظامی وکلای"

قاعده کلی براین است که مراکز رسیدگی کننده به تخلفات اداری و انتظامی به تخلفات ارتكابی که هم وقوع تخلف در زمان اشتغال بوده و هم متخلف در زمان رسیدگی و اجرای مجازات در حال اشتغال بوده رسیدگی و تصمیم گیری مینمایند. لذا علی الاصول بازنشستگی متخلف از موجبات توقف رسیدگی، صدور رای و نهایتاً اعمال مجازات انتظامی و اداری خواهد بود.

جنبه بازدارندگی، تمهید مقدمات برای سلامت نظام اداری و وکالتی، جنبه ارعابی برای دیگر اعضای آن سازمان یا نهاد را می‌توان به عنوان برخی از اهداف رسیدگی‌های اداری و انتظامی و تنبیه متخلفین برشمرد. به همین دلیل برای نیل به چنین اهدافی رسیدگی‌های قبل از بازنشستگی با مشکلی مواجه نیست؛ اما به دلیل قطع رابطه استخدامی یا زائل شدن وصف کارمندی، قضاوتی یا وکالتی به عنوان یک مانع اساسی می‌تواند در رسیدن به آن اهداف خود را نشان دهد.

از طرفی هم انجام خدمات طولانی و پرداخت حق بیمه در دوران اشتغال کارمند یا وکیل یا قاضی بعد از دوران اشتغال حقی برایش ایجاد می‌نماید تحت عنوان حق بهره‌مندی از مزایا و حقوق بازنشستگی که توجه به این حق می‌تواند موجب توقف رسیدگی و اعمال مجازات‌های اداری و انتظامی را در پی داشته باشد. البته اعتقاد به



کانون وکلای دادگستری

امجد معتمری

وکیل پایه یک دادگستری

تاریخ:
شماره:
پیوست:

این حق قانونی هم نباید موجبی برای فرار از وظایف و تکالیف اداری، وکالتی و قضاوتی و به بیان دیگر موجب نقض قوانین و مقررات و نقض غرض گردد. در مقررات تخلفات اداری برابره ماده ۳۱ از آیین نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب سال ۱۳۷۳ فوت متهم از موجبات توقف رسیدگی و صدور رای اداری تعیین گردیده است. هر چند در این مقرره تصریحی به موثر بودن یا نبودن بازنشستگی نشده است؛ اما نظریه زائل شدن وصف کارمندی با پایان اشتغال و نهایتاً بازنشسته شدن او در غیر موارد استثنایی در این مقررات یعنی در ماده ۱۵ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ بازنشستگی از موارد موقوفی رسیدگی اداری می باشد. به موجب ذیل ماده ۱۵ مقرره فوق «... پیرونده بازنشستگان متهم به موارد مندرج در بندهای ۳۴-۳۵-۳۶-۳۷ و ۳۸ از ماده ۱ در صورت وجود مدارک مثبت، برای رسیدگی و صدور رای در هیئت های رسیدگی به تخلفات اداری مطرح و بر اساس این قانون رای لازم صادر می شود...» بر اساس بند ۳ از ماده ۲۵ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ بازنشستگی از موارد موقوفی تعقیب تخلف انتظامی قضایی محسوب گردیده است.

درست است که در این قانون، بازنشستگی از موارد موقوفی تعقیب تلقی گردیده است؛ اما با نگاهی به مجازات های مندرج در بندهای ۱۲ و ۱۳ از ماده ۱۳ قانون که در بیان مجازات های انتظامی است. انفصال دائم از خدمات قضایی و دولتی به



کانون وکلای دادگستری

امجد معتمری

وکیل پایه یک دادگستری

تاریخ:
شماره:
پیوست:

عنوان سنگین‌ترین مجازات‌های انتظامی که در معنای اخراج و قطع همه حقوق متصوره احتمالی منجمله بازنشستگی برای فرد خاطی را دارد. و این خود مفهم این مطلب بوده که در مرحله اجرای مجازات امکان اجرای آن از طریق قطع حقوق و مزایای بازنشستگی دور از ذهن نبوده؛ و در پاسخ به نظر کسانی که عقیده دارند با بازنشستگی و برقراری حقوق ناشی از آن دیگر امکان اجرای مجازات‌های اداری و انتظامی قابل تصور نبوده تا صحبت از امکان رسیدگی و صدور مجازات انتظامی و اداری بعد از بازنشستگی موضوعیت داشته باشد قابل توجه می‌باشد.

در ماده ۲۱ همین قانون برای محکومین مستوجب مجازات‌های این دو بند یعنی انفصال از خدمات قضایی و دولتی صرفاً حقی معادل دریافت وجوه پرداخت شده متخلف به صندوق با رعایت شاخص ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در نظر گرفته شده است و چنین متخلفی دیگر مستحق برقراری و دریافت حقوق و مزایای بازنشستگی به هیچ وجه نخواهد بود؛ لذا اجرای مجازات تخلف انتظامی در مقام عدم استحقاق متخلف از حقوق مزایای بازنشستگی کاملاً و جاهت قانونی داشته و صراحتاً در قانون نظارت بر رفتار قضات هم به رسمیت شناخته شده است و در همین راستا شعبه ۲ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به دادخواستی مبنی بر تقاضای صدور حکم برقراری بازنشستگی و حقوق و مزایای آن در خصوص خواهانی که بر اساس حکم قطعی مرجع عمومی کیفری محکوم به انفصال دائم از خدمات دولتی گردیده بود آن را غیر وارد تشخیص و حکم به رد شکایت صادر



کانون وکلای دادگستری

امجد معتمری

وکیل پایه یک دادگستری

تاریخ:
شماره:
پیوست:

نموده است و آورده است پس از صدور رای قطعی محاکم صالحه مبنی بر انفصال دائم از خدمات دولتی دعوای بازنشستگی با هر میزان سابقه مسموع نیست.

همچنین اداره کل حقوقی طی نظریه 7/1401/153 مورخ 1401/9/7 در پاسخ استعلام اداره کل صندوق بازنشستگی استان تهران در خصوص برقراری حقوق بازنشستگی برخی قضات سلب صلاحیت شده قضایی که مورد عفو رهبری قرار گرفته و مجازات انفصال دائم از خدمات دولتی آنان به بازنشستگی تبدیل شده است آورده است در خصوص این دسته از قضات می‌بایست حقوق بازنشستگی برقرار گردد. بنابراین نبایستی بازنشستگی رومانع ادامه رسیدگی به تخلفات اداری و انتظامی تلقی کرد؛ چرا که تصور فرمایید در خصوص تخلفاتی که در زمان اشتغال و معتبر بودن سمت یا پروانه متخلف اتفاق افتاده، اما بعد از بازنشستگی کشف گردیده، عدم امکان رسیدگی و موقوفی تعقیب بعلت بازنشستگی می‌تواند بعنوان وسیله ای قانونی جهت فرار از رسیدگی و مجازات این دسته از متخلفین باشد؛ چرا که برای مصون ماندن از تعقیب و مجازات خود را بازنشسته یا باز خرید نماید. از این جهت می‌توان قائل شد جهت جلوگیری از این تقلب نسبت به قانون می‌توان پس از صدور حکم و برقراری حقوق بازنشستگی هم به تخلفات ارتكابی در دوران اشتغال و فعالیت اداری، قضاوتی و یا وکالتی و تصدی آنان رسیدگی کرد. موید این مطلب نظریه اداره کل حقوقی به شماره 7/93/2765 مورخ 1393/11/1 می‌باشد که در پاسخ استعلام دیوان محاسبات کشور مبنی بر اینکه آیا دیوان می‌تواند



کانون وکلای دادگستری

امجد معتمری

وکیل پایه یک دادگستری

تاریخ:
شماره:
پیوست:

کارمندبازنشسته یا کارمند سابق را به جلسات دادرسی احضار نماید؟ آورده است
**«...دیوان مذکور صلاحیت رسیدگی به کلیه تخلفات مالی دوران خدمت ماموران
دولت در زمان تصدی آنها را دارد اعم از اینکه در زمان رسیدگی رابطه استخدامی
ایشان قطع یا بازنشسته شده باشند...»**

در ادامه و با فرض امکان رسیدگی و صدور حکم نسبت به شخص بازنشسته به
امکان اجرای مجازات انتظامی، اداری یا مجازات مرجع عمومی کیفری مثل
اخراج یا انفصال دائم از خدمات دولتی در دو قسمت می پردازیم .

الف: تاثیر مجازات در حقوق و مزایای بازنشستگی؛

در خصوص اثر این حکم قبل از صدور حکم بازنشستگی، بازنشستگی را منتفی
می نماید و حداکثر طبق ماده ۲۱ قانون نظارت بر رفتار قضات معادل وجوه پرداخت
شده به صندوق و با رعایت ماده ۵۲۲ ق آ د م به متخلف پرداخت صورت
می گیرد. یا طبق ماده ۱۱ قانون رسیدگی به تخلفات اداری در صورت واجد دو
شرط بودن، بیش از ۱۵ سال سابقه و ۵۰ سال سن به تشخیص هیات تجدیدنظر
رسیدگی به تخلفات اداری برای معیشت خانواده متخلف مقرری ماهانه که مبلغ آن
از حداقل حقوق کارمندان دولت تجاوز نکند برقرار می گردد و در صورت ضرورت
به تشخیص همان هیات می تواند قطع گردد. اما در خصوص اثر این احکام
اداری، انتظامی و مراجع عمومی بعد از بازنشستگی به طور کلی دودیدگاه وجود
دارد.



دیدگاه اول: قطع حقوق و مزایای بازنشستگی؛ در این دیدگاه میبایست حقوق و مزایای برقرار شده بایستی بر اثر مجازات اداری، انتظامی و مرجع عمومی کیفری متخلف و مجرم ناشی از حکم اخراج محرومیت دائم از شغل، انفصال دائم از خدمات دولتی قطع گردد. مؤید این دیدگاه نظریه اداره حقوقی تحت شماره 6881 مورخ 1386/10/15 می باشد. در تایید دیدگاه اول می توان اشاره کرد به ماده ۱۳ از قانون آیین دادرسی کیفری که بازنشستگی را در شمار موارد توقیف اجرای مجازات نیآورده است. همچنین ماده ۹۷ از قانون استخدام کشوری هم صراحتاً حکم به قطع حقوق بازنشستگی به علت ترک تابعیت نموده است. آنچنانکه دیدیم بر اساس ماده ۱۵ قانون رسیدگی به تخلفات اداری هم مجوز رسیدگی به تخلفات خاص در دوران بازنشستگی و نهایتاً اجرای حکم نسبت به بازنشسته را داده است.

دیدگاه دوم: عدم امکان قطع حقوق و مزایای برقرار شده بازنشستگی؛

با صدور حکم بازنشستگی و برقراری حقوق ناشی از این حکم دیگر امکان اجرای حکم انفصال از خدمات دولتی به معنی قطع حقوق و مزایای بازنشستگی نیست، لذا محرومیت از همه حقوق اجتماعی را در پی نخواهد داشت تا مشمول ماده ۹۳ قانون استخدام کشوری شود. **« هرگاه شخصی که بموجب این قانون از حقوق بازنشستگی استفاده می کند به موجب حکم دادگاه صلاحیت دار اصالتاً یا طبعاً به محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شود تا زمانی که از حقوق اجتماعی محروم**



کانون وکلای دادگستری

امجد معتمری

وکیل پایه یک دادگستری

تاریخ:
شماره:
پیوست:

است شخصاً از دریافت حقوق بازنشستگی محروم خواهد بود» نظریه شماره ۱۵۷۲ سال ۱۳۹۱ اداره کل حقوقی مؤید همین مطلب می‌باشد. در تقویت دیدگاه دوم هم می‌توان گفت حقوق بازنشستگی از جیب خود شخص در دوران اشتغال پرداخت شده و از بودجه عمومی دولت نیست لذا قطع آن هم موجب سلب حقوق مکتسبه و در نتیجه فاقد جاهت قانونی خواهد بود.

ب: امکان اجرای مجازات‌های انتظا می نسبت به وکیل بازنشسته؛

در بحث بازنشستگی وکیل و طرح پرونده انتظامی به اعتبار تخلفات قبل از بازنشستگی، از توجه به ماده ۱۰۵ آیین نامه اجرایی لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۴۰۰ بازنشستگی از موارد موقوفی تعقیب لحاظ نگردیده است برخلاف آن چیزی که در بند ۳ از ماده ۲۵ قانون نظارت بر رفتار قضات آمده است و در ماده ۱۵۳ همین آیین نامه هم صرفاً به اجرای مجازات‌های درجه ۴ و ۵ نسبت به وکیل دارای پروانه معتبر اشاره کرده است، لذا می‌توان قائل شد که برای اجرای سایر مجازات انتظامی در ماده ۱۱۹ آیین نامه، بازنشستگی مانع نخواهد بود.

حال باید دید آیا در عمل اثری هم اصلاً به اجرای مجازات نسبت به وکیل بازنشسته متصور هست یا خیر؟ چرا که در ماده ۱۵۳ صرفاً بر اجرای مجازات‌های درجه ۴ و ۵ که تعلیق و تنزل درجه است نیاز به پروانه معتبر بوده و به بیان دیگر



در حال فعالیت وکالتی باشد تا امکان اجرا نسبت به چنین وکیلی معنا پیدا کند و برای سایر مجازات‌ها یعنی مجازات‌های درجه یک تا ۳ و درجه ۶ طبق حکم مندرج در این ماده نیازی به فعال بودن وکیل و به بیان آیین نامه نیازی به وجود پروانه معتبر نبوده؛ فعال نبودن و نداشتن پروانه معتبر می‌تواند مصادیق متعددی را داشته باشد که یکی از آنها تودیع پروانه وکالت و صدور حکم بازنشستگی وکیل می‌باشد، حال که طبق ماده ۱۳۸ آیین نامه تقاضای بازنشستگی و متعاقب آن صدور حکم بازنشستگی مانع تعقیب و رسیدگی انتظامی نیست و به علت امره بودن قواعد و مقررات انتظامی که جهت حفظ و حراست از جایگاه و شأن وکالت بوده و تعطیل بردار نیست به نحوی که تقاضای بازنشستگی را تا تعیین تکلیف پرونده انتظامی و حسب مورد اجرای حکم معلق می‌نماید. صدور حکم بازنشستگی هم مانع تعقیب، رسیدگی و اجرای حکم نخواهد بود و در فرض وقوع تخلف با لحاظ مدت زمان دو ساله مرور زمان امر مستوجب تعقیب در ماده ۱۳۹ بعد از صدور حکم بازنشستگی هم تعقیب و رسیدگی صورت می‌پذیرد. از طرفی هم اثری بر اجرای مجازات‌های انتظامی قابل تصور هست؛ چراکه بر اساس ضوابط و مقررات و رویه صندوق حمایت وکلا، بعد از بازنشستگی و برقراری حقوق بازنشستگی توسط وکیل برای یک بار امکان تقاضا برای قطع حقوق بازنشستگی و برگشت به فعالیت وکالتی وجود دارد. لذا در خصوص مجازات‌های درجه ۱ تا ۳ اگرچنین وکیلی بازنشسته‌ای دوباره به فعالیت وکالت برگردد. ضمن اجرای مجازات‌ها



کانون وکلای دادگستری

امجد معتمدی

وکیل پایه یک دادگستری

تاریخ:
شماره:
پیوست:

وتوبیخ، توبیخ با درج در پرونده و.. طبق ماده ۱۳۷ آیین نامه ظرف ۳ سال از قطعیت این احکام در دوران بازنشستگی پس از اعاده به وکالت اگر مرتکب تخلف دیگری شود از موجبات تشدید مجازات به یک درجه بالاتر خواهد بود. و در خصوص مجازات درجه ۶ هم که شامل ابطال پروانه و محرومیت دائم از وکالت هست اگر وکیل بازنشسته به اعتبار تخلف قبل از بازنشستگی پس از بازنشستگی تحت تعقیب، رسیدگی و مجازات درجه ۶ قرار گیرد دیگر امکان استفاده از ضوابط صندوق حمایت وکلا برای اعاده مجدد به فعالیت وکالتی و تعلیق بازنشستگی را نخواهد داشت؛ لذا تصور اینکه بعد از بازنشستگی فایده یا اثری بر اجرای مجازات انتظامی وکیل بازنشسته وجود نداشته متصور نیست، و دیدیم که مقررات انتظامی بر اساس فلسفه‌ای که برای تدوین آنها در نظر گرفته شده چه در دوران وکالت و چه در دوران بازنشستگی می‌بایست اعمال این مقررات در جهت صیانت از جایگاه و شأن وکالت مورد نظر قرار بگیرد و چنین تفسیری از ماده ۱۳۸ آیین نامه به نظر در راستای نیل به هدف حفظ و حراست از جایگاه و شأن والای وکالت و منطبق با قواعد و مقررات انتظامی و اصول کلی حاکم بر تعقیب و اجرای مجازات‌های اداری، انتظامی و عمومی خواهد بود.

امجد معتمدی

معاون دادستان انتظامی کانون وکلای استان قزوین

بهمن ماه ۱۴۰۲

امجد معتمدی
وکیل پایه یک دادگستری